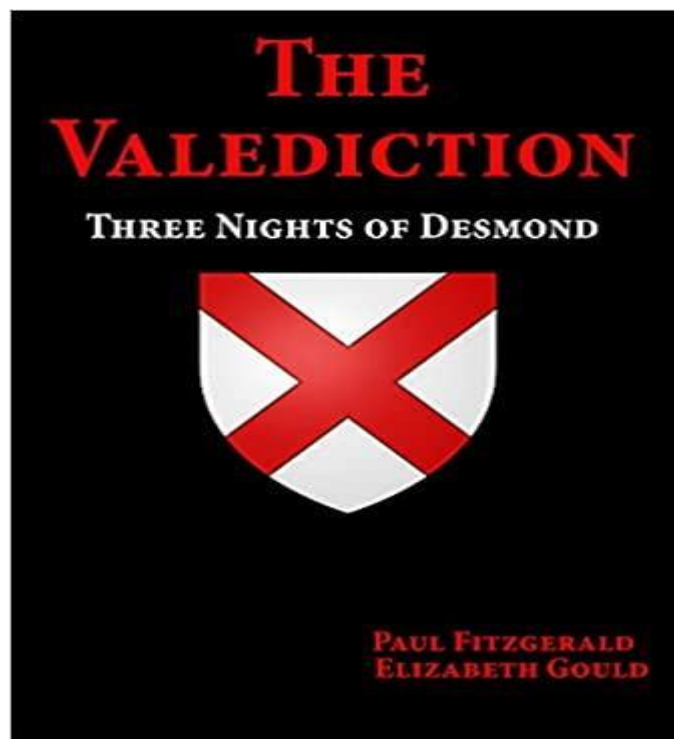


نویسنده: ماکس پیری «Max Parry» .
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2022-04-25» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

کتاب خاطرات جدید نشان می دهد که چگونه صفحه شطرنج برژینسکی به مات آمریکا در افغانستان منجر شد

*A New Memoir Reveals How Brzezinski's Chessboard
Led to U.S. Checkmate in Afghanistan*



قدردانی سه شب از جهان

تقریباً بازگشت معلق و یا عدم اطمینان همچو سنگ شهابی طالبان به قدرت پس از خروج نهایی نیروهای مسلح آمریکا از افغانستان؛ الهام در مورد اینکه در میان این پیامدها چه خواهد بود و یا چه پیامدها رخ خواهد داد وجود دارد بسیاری پیش بینی کرده اند که روسیه و چین برای پر کردن خلاء قدرت وارد عمل خواهند شد و طالبان را متقاعد می کنند تا در

از ای حمایت سیاسی و اقتصادی بر سر توافقنامه تقسیم قدرت مذاکره کنند، در حالی که برخی دیگر از سقوط به جنگ داخلی اجتناب ناپذیر هستند.

اگرچه مسکو و پکن به طور بالقوه از عقب نشینی تحقیرآمیز ایالات متحده با فضا ربرای ایجاد یک دولت فراگیر در کابل سود خواهند برد، اما این گروه مستقر از پشتون ها ابتدا باید به عنوان یک سازمان تروریستی تعیین شده حذف شود یعنی که این گروه باید از دست تروریستی خارج شوند. هیچ کسویا کسانی نمی خواهند افغانستان را به عنوان کانون جهاد بدتر ببینند، زیرا جدایی طلبی اسلام گرا قبلا روسیه را در قفقاز گرفتار کرده بود و چین هنوز در بحبوحه درگیری قومی که ادامه دارد دست به گریبان است چونکه در ولایت سین کیانگ جدایی طلبان مسلمان اویغور و حزب اسلامی ترکستان وابسته به القاعده است.

در این مرحله همه میدانند که تهدید جدی تر افراطگرایان نه از سوی طالبان، بلکه ظهور داعش شاخه خراسان یا داعش است، گروه وابسته به دولت اسلامی که مسئول چندین حمله تروریستی اخیر از جمله بمب گذاری 26 اوت در فرودگاه بین المللی حامد کرزی در پایتخت افغانستان است. که 13 نظامی آمریکایی و بیش از 100 افغان را در جریان عقب نشینی ایالات متحده کشته است.

سه روز بعد، فرماندهان آمریکایی دستور حمله تلافی جویانه هواپیماهای بدون سرنشین را به وسیله نقلیه ای که به ادعای آنها برای منفجر کردن یک بمب انتحاری در همان فرودگاه کابل در حرکت بود، صادر کردند. برای چند روز، پنتاگون به دروغ ادعا کرد که حمله هوایی با موفقیت دو شبه نظامی شاخه خراسان داعش - را از بین برد و یک رسانه شرکتی خدمتکار این ادعاها را بدون چون و چرا ساختند و یاکه بخور عامه تنظیم کردند، از جمله جعل گزارشی کاملاً ساختگی مبنی بر اینکه انفجار شامل "انفجارهای ثانویه" از دستگاه هایی است که قبلاً در داخل آن قرار داشتند. خودرویی که برای استفاده در یک اقدام تروریستی در نظر گرفته شده است. دو هفته بعد، فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) مجبور شد عذرخواهی کند و اعتراف کند که این حمله در واقع یک "اشتباه غم انگیز" بود که به اشتباه ده غیرنظامی بی گناه را به قتل رساند - که همگی قربانیان اعضای یک خانواده شامل هفت کودک بودند - در حالی که هیچ عضوی از داعش در میان مردگان نبود. این تحریف در تباہی بین ماشین جنگی بی پایان و رسانه ها منتشر می شود، و آنها فقط در فریبکاری داستان؛ برنامه انعام روسیه - طالبان تحت الشعاع قرار گیرد.

اگر آمریکایی ها قبل از حمله هوایی نافر جام کابل از داعش مطلع بودند، احتمالاً زمانی را به یاد می آورند که **دونالد ترامپ**، رئیس جمهور سابق ایالات متحده، اجازه استفاده بی سابقه از بمب انفجاری عظیم هوایی را که به طور غیررسمی از آن به عنوان "مادر همه بمب ها" یاد می شود، بالای شبه نظامیان دولت اسلامی در ولایت ننگرهار در سال 2017. صادر کرد.



بر اساس گزارش ها، مشاور امنیت ملی **بایدن**، اچ. آر. مک مستر، به سلف **بایدن** عکس هایی از دهه **1970 دختران افغان** را که دامن کوتاه می پوشیدند، نشان می داد تا از وعده کمپین خود مبنی بر پایان دادن به طولانی ترین جنگ در تاریخ ایالات متحده سرپیچی کند. همانطور که اتفاق می افتد، جنگجویان داعش خراسان که توسط MOAB خاموش شده بودند و یا ساکت ماندن آنها در یک مجتمع تونل زیرزمینی در نزدیکی مرز پاکستان که توسط C.I.A ساخته شده بود، پناه گرفتند. در دهه **1980** در زمان جنگ افغانستان و شوروی افسوس که کنایه از این جزئیات به طور کامل در رسانه های اصلی که تمایل به تلقی اخبار پنتاگون به عنوان انجیل از ویژگی های نه تنها بیست سال گذشته اشغال ایالات متحده بلکه از چهار دهه از دخالت آمریکا در افغانستان از زمان عملیات طوفان، اطلاعات مرکزی گم و مخفی شده است، یعنی اطلاعات طرح آژانس برای تسلیح و تأمین مالی مجاهدین، که در سال 1979 راه اندازی شد.

فرانک ویسنر، C.I.A. مقامی که عملیات پرنده مقلد را تأسیس کرد، برنامه مخفیانه گسترده آژانس برای نفوذ به رسانه های خبری برای اهداف تبلیغاتی در طول جنگ سرد، مطبوعات را "Mighty Wurlitzer" یا آلتی موسیقی که برای دستکاری افکار عمومی نواخته می شود، نامید. استخدام دارایی های **لنگلی** در بخش چهارم یکی از بسیاری از فعالیت های غیرقانونی توسط دستگاه امنیت ملی بود که در پاتوق محدود کمیته کلیسا در طول دهه 1970، همراه با C.I.A فاش شد. همدستی در کودتا، ترور، نظارت غیرقانونی، و شستشوی مغزی شهروندان ناخواسته ناشی از مواد مخدر.

در انتها، این فقط ذهن کوچک هندی انسان نبود که «شرکت» به دنبال کنترل آن بود، بلکه پوشش خبری که توسط آمریکایی ها نیز مصرف می شد. در شهادت خود در برابر یک کمیته منتخب کنگره، مدیر اطلاعات مرکزی ویلیام کولبی آشکارا استفاده از شبه ها

در روزنامه نگاری را تأیید کرد، همانطور که در مستند برنده جایزه *Inside the C.I.A.: On Company Business* (1980) دیده می‌شود. متأسفانه، گستردگی این پروژه مخفی و بررسی آن از روزنامه نگاران به طور کامل فاش نشد تا اینکه مقاله ای از کارل برنشتاین از شهرت و **واترگیت** در مجله **رولینگ استون** منتشر شد، در حالی که مجموعه تحقیقات رسمی تنها با ارائه چنین اقدامات نادرستی به نجات دولت عمیق ختم شد. به عنوان «سوءاستفاده‌های» سرکش به جای بخشی ذاتی جاسوسی در اجرای سیاست خارجی ایالات متحده.

نها د فاسد رسانه های غربی نیز هر فردی را که در صفوف خود جرات کند برخلاف جریان شنا کند و یا از خود مقام و نشان دهد مجازات می‌کند. زوج زن و شوهر **پل فیتزجرالد و الیزابت گولد**، نویسندگان خاطرات جدیدی که داستان واقعی افغانستان را روشن و بیان کردند، دوروزنامه نگاری بودند که با همدستی مطبوعات زرد که چگونه این سوسیس «sausage» در پایتخت کشور درست می‌شود متوجه شدند. هر دو کهنه سرباز (جانبازان) جنبش صلح، **پل و لیز** در ابتدا از جمله کسانی بودند که ساده لوحانه بر این باور بودند که تحقیر آمریکا در ویتنام و در جلسات **شنیداری «با آینده نگری»** که جامعه اطلاعاتی را بدنام کرد ممکن است که با انتخاب **جیمی کارتر** در سال **1976** منجر به تغییر آشفته‌گی اقیانوس در واشنگتن شود. در گذشته، در واقع دلیل خوبی برای خوش بینی در مورد چشم انداز صلح جهانی با توجه به معاهدات کاهش تسلیحات و مذاکرات بین ایالات متحده و مسکو در طول دولت **نیکسون** و **فورد** وجود داشت، که خط نقره ای برای دکتورین «واقع گرایانه» **هنری کیسینجر** در مورد دولت داری بود. با این حال، هر روزنه امیدی در کاهش روابط تیره بین غرب و اتحاد جماهیر شوروی کوتاه مدت بود، زیرا صدای معدود عقل در داخل کمر بند که حسن نیت مسکو را به تنش زدایی و اشاعه هسته ای فرض می‌کردند، به زودی با یک طرح جدید به چالش کشیده شد. جناح جنگ طلب غول های اتاق فکر دی سی که استدلال می‌کردند که دیپلماسی موقعیت استراتژیک آمریکا را به خطر می‌اندازد و اتحاد جماهیر شوروی به دنبال سلطه جهانی است.

از آنجایی که ارزیابی های اطلاعاتی به طور نامناسبی با ادعای آرزوهای شوروی برای برتری استراتژیک در تناقض بود، ریس سی آی ای اداره **جورج اچ دبلیو. بوش** از تخصص ظاهری گروهی رقابتی از جنگ افروزان روشنفکر موسوم به «**تیم B**» استفاده کرد که نام های بسیاری را بعداً با جنبش نومحافظه کاران مترادف کردند، از جمله **ریچارد پاییس**، **پل و نفوویتز و ریچارد پرل**. **بوش پدر** پس از اخراج های دست اندرکاران بد نام «قتل عام هالووین» در کاخ سفید که **جرالد فورد**، جایگزین **بیل کولبی** فوق الذکر شده بود، یک تغییر سیاسی که شامل برکناری **کیسینجر** از سمت مشاور امنیت ملی و ارتقای **دونالد رامسفلد** جوان به سمت ویا مقام وزیر دفاع. یکی از شاگردان او، بنام **ریچارد بی چنی «دیگ چینی»**، به نام رئیس ستاد گماریده شدند این کودتای نرم نومحافظه کارانه به **تیم B** و تخمین های دستکاری شده اش از زرادخانه هسته ای شوروی اجازه

داد تا مذاکرات در حال انجام محدود کردن تسلیحات استراتژیک (SALT) بین واشنگتن و کرملین را تضعیف کنند تا اینکه سرانجام **جیمی کارتر** و **لئونید برژنف** دومین معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای راماه جون 1979 امضا کردند.

انشعاب پشت پرده در درون تشکیلات سیاست خارجی که برسر آن عقاید جزئی سیاست‌گذاری خارجی را تعیین می‌کند، پیش از آنکه تک قطبی تیم B به لطف دسیسه‌های **زیبگنیو برژینسکی**، مشاور امنیت ملی، غلبه کند، مبارزه برای قدرت ادامه یافت. اگر ارزیابی‌های اطلاعاتی از نیات و توانایی‌های نظامی مسکو با تیم B مطابقت نداشت، استراتژیست آمریکایی لهستانی طرحی را طراحی کرد تا اتحاد جماهیر شوروی را به دامی در افغانستان بکشاند تا ظاهر توسعه طلبی شوروی را به نمایش بگذارد تا **کارتر** را متقاعد کند که روس‌ها از افغانستان خارج شوند. SALT II. در سال بعد به خرابکاری نزدیک شد و زمانی که مشخص شد C.I.A. در حال تامین سلاح برای شورشیان اسلامگرا در این کشور آسیای مرکزی «افغانستان» بود، روایت رسمی منتشر شده توسط واشنگتن این بود که به مردم افغانستان کمک می‌کند تا علیه «تهاجم» ارتش سرخ مقابله کنند. از قضا، این توجیه برای یک درگیری نیابتی بود که منجر به کشته شدن حداقل 2 میلیون غیرنظامی و در نهایت سقوط حکومت سوسیالیستی در کابل شد و یک جنگ داخلی خونین و ظهور طالبان را به راه انداخت.

با این حال، این رسانه‌ها بودند که به مدیریت این تصور کمک کردند که جنگ مخفی C.I.A تنها پس از مداخله شوروی آغاز شد. در همین حال، خبرنگاران معدود و صادقی که سعی در افشای حقیقت در مورد آنچه در حال رخ دادن داشتند، سکوت کردند و به حاشیه رانده شدند. **پل فیتزجرالد** و **الیزابت گولد** اولین دو روزنامه‌نگار آمریکایی بودند که در سال 1981 توسط دولت دوست مسکو اجازه ورود به جمهوری دموکراتیک افغانستان را گرفتند، زیرا خبرنگاران غربی از ورود به کشور منع شده بودند. آنچه آنها به طور مستقیم در زمین شاهد بودند، نمی‌توانست با داستان پذیرفته شده مبارزان آزادی مقاومت در برابر «اشغال» کمونیستی که توسط پارچه‌های تبلیغاتی منتشر شده بود، تضاد داشته باشد. در عوض، آنچه آنها کشف کردند ارتشی از قبایل فنودال و جهادگران متعصب بود که مدارس را منفجر کردند و بالای زنان اسید پاشیدند، زیرا آنها جنگ مقدسی را علیه یک دولت خود مختار، هرچند معیوب، مترقی در کابل انجام می‌دادند که اصلاحات ارضی را اجرا می‌کرد و برای دختران آموزش می‌داد. علاوه بر این، آنها دریافتند که حضور نظامی شوروی عمده‌توسط رسانه‌های اصلی عراق می‌شود که اکانت‌های انحصاری خود را به طور کامل سانسور یا به طور انتخابی ویرایش می‌کردند، که با CBS Evening News و بعداً Nightline ABC شروع شد.

مدت زیادی پس از ایجاد امارت اسلامی توسط طالبان برای اولین بار در اواخر دهه 1990، خود **برژینسکی** بی‌شرمانه به خود می‌بالید که عملیات طوفان در واقع در اواسط سال 1979 تقریباً شش ماه قبل از استقرار نیروهای شوروی در اواخر همان سال آغاز شده بود. این فرد روسوفوبیک اهل ورشو پس از انتشار کتابش به نام صفحه شطرنج

بزرگ: برتری آمریکا و الزامات ژئواستراتژیک آن به روزنامه فرانسوی *Le Nouvel Observateur* در سال 1998 گفت:

سوال: رابرت گیتس، رئیس سابق سیا، در خاطرات خود اظهار داشت که سرویس های اطلاعاتی آمریکا شش ماه قبل از مداخله شوروی، کمک به مجاهدین در افغانستان را آغاز کرد. در این دوره، شما مشاور امنیت ملی رئیس جمهور **کارتز** بودید. بنابراین شما نقش کلیدی در این ماجرا داشتید. آیا این درست است؟

برژینسکی: بله. طبق نسخه رسمی تاریخ، کمک های سیا به مجاهدین در سال 1980 آغاز شد، یعنی پس از حمله ارتش شوروی به افغانستان در 24 دسامبر 1979. اما واقعیت، که تا کنون به دقت از آن محافظت می شد، کاملاً غیر از این است: در واقع، آن در 3 جولای 1979 رئیس جمهور **کارتز** اولین دستورالعمل کمک های مخفیانه به مخالفان رژیم طرفدار شوروی در کابل را امضا کرد. و همان روز، یادداشتی برای رئیس جمهور نوشتم که در آن به او توضیح دادم که به نظر من این کمک ها باعث مداخله نظامی شوروی خواهد شد.

سوال: با وجود این خطر، شما مدافع این اقدام پنهانی بودید. اما شاید شما خودتان آرزوی ورود شوروی به جنگ را داشتید و به دنبال راهی برای تحریک آن بودید؟
برژینسکی: کاملاً اینطور نبود. ما روس ها را مجبور به مداخله نکردیم، اما آگاهانه احتمال مداخله آنها را افزایش دادیم.

سوال: زمانی که شوروی مداخله خود را با این ادعا که قصد مبارزه با دخالت مخفیانه ایالات متحده در افغانستان را توجیه کرد، هیچکس آنها را باور نکرد. با این حال، یک عنصر حقیقت در این وجود داشت. و آن اینکه آیا شما یا تو امروز پشیمان نیستی؟

برژینسکی: پشیمان از چی؟ آن عملیات مخفی یک ایده عالی بود. این تاثیری داشت که روس ها را به دام افغانستان کشاند و می خواهید پشیمان شوم؟ روزی که شوروی رسماً از مرز عبور کرد، اساساً به رئیس جمهور **کارتز** نوشتم: "ما اکنون این فرصت را داریم که جنگ ویتنام را به اتحاد جماهیر شوروی بدیم." در واقع، برای تقریباً 10 سال، مسکو مجبور بود جنگی را ادامه دهد که برای رژیم ناپایدار بود، جنگی که باعث تضعیف روحیه و سرانجام فروپاشی امپراتوری شوروی شد.

سوال: و از اینکه از بنیادگرایی اسلامی حمایت کرده اید که به تروریست های آینده اسلحه و مشاوره داده است، پشیمان نیستید؟

برژینسکی: چه چیزی در تاریخ جهان مهمتر است؟ طالبان یا فروپاشی امپراتوری شوروی؟ برخی مسلمانان را آشفته کردند یا آزادی اروپای مرکزی و پایان جنگ سرد؟ اگر این اعتراف خیره کننده مستقیماً از دهان اسب بیش از آن صادق باشد که بتوان آن را باور کرد، **فیتزجرالد** و **گولد** تأیید اعتراف ماکیا و لیستی برژینسکی را از یکی از شکاکان خود دریافت می کنند. نگران نباشید که دولت قانونی افغانستان از مسکو درخواست کمک کرده بود تا از خود در برابر جنگ کثیف ایالات متحده دفاع کند. " گروه ها. **پل** و **لینز** همچنین C.I.A را کشف می کنند. اثر انگشت در سراسر ترور مشکوک **آدولف دابز**، سفیر آمریکا در افغانستان در فوریه 1979، که تلاش های

مذاکره‌اش ممکن است ناخواسته به ترفند **برژینسکی** برای کشاندن اتحاد جماهیر شوروی به باتلاق ضربه بزند. با ترغیب **کارت‌ر** به دادن چراغ سبز به معلم سیاست خارجی خود برای تأمین مالی نیابت های اسلام گرا، ر بوده شدن و قتل به موقع دیپلمات آمریکایی در یکی از هتل های کابل به **کاگ ب** چسبانده شد و بقیه تاریخ بود. این زوج روزنامه نگار حتی تا آنجا پیش می روند که می گویند شاخه اطلاعات غربی که احتمالاً مسئول قتل او بوده است، عاملی از **Safari Club** است، شبکه ای غیررسمی بین سرویس های امنیتی گروهی از کشورهای اروپایی و خاورمیانه که عملیات مخفیانه انجام می دهند. در طول جنگ سرد در چندین قاره با تجارت جهانی مواد مخدر و برژینسکی.

اگرچه او مانند **کیسینجر** یکی از مکتب های «واقع گراییانه» روابط بین الملل به حساب می آمد، اما توطئه **برژینسکی** برای مهندسی معادل روسی ویتنام در افغانستان، نفوذ نومحافظه کاری را در واشنگتن افزایش داد، متقاعدی که بعداً در جرج به اوج نفوذ خود رسید. **دولت بوش** در نگاهی به گذشته، نیاز به افزایش عظیم نظامی برای دستیابی به Pax Americana که توسط شاهین های جنگی «جنگ طلبان» در تیم **B** ترویج می شد، پیش درآمدهای برای بیانیه تأثیرگذار "بازسازی دفاع های آمریکا" توسط پروژه برای گروه قرن جدید آمریکا قبل از 11 سپتامبر و پس از آن بود. حمله آمریکا به افغانستان **فیتزجرالد** و **گولد** همچنین از نظر تاریخی ریشه های ایدئولوژیک نومحافظه کاری را در مبنای فکری آن در جنبش **تروتسکیستی** آمریکا در طول دهه 1930 دنبال می کنند. اگر یک شاخه منحرف از **مارکسیسم** منبعی بعید برای سیاست خارجی مداخله گرای دست راستی **دولت بوش** به نظر می رسد، اساس آن آنقدرها هم که به نظر می رسد غیرمنتظره نیست. در واقع، یکی از دلایل اصلی شکاف بین **انترناسیونال چهارم** و **کمینترن** بر سر مسئله ملی بود، زیرا نظریه **تروتسکی** در مورد "انقلاب دائمی" خواستار گسترش برای تحمیل انقلاب جهانی برخلاف موضع **استالین** "سوسیالیسم در یک کشور" بود که به آن احترام می گذاشت. حاکمیت و خودمختاری دولت های ملی و در عین حال از جنبش های آزادیبخش ملی حمایت می کند.

نویسندگان با تأکید بر اینکه چگونه بازنگری نظامی با موفقیت توسط نومحافظه کاران به پایان رسید، پایانی را برای تعمیر و نگهداری زیرساخت های ایالات متحده نیز رقم زد. در حالی که توجه عمومی در حال حاضر بر روی قانون سرمایه گذاری زیرساختی و مشاغل معلق متمرکز شده است تا صنعت روبه زوال را در داخل کشور تعمیر کند، درست در شرایطی که خروج فاجعه با راز افغانستان، مطلوبیت رئیس جمهور **جو بایدن** را در پایین ترین حد خود قرار داده است، **فیتزجرالد** و **گولد** واقعاً تمام نقاط بین زوال صنعت را به هم متصل می کنند. آمریکا به عنوان یک ابرقدرت با **برژینسکی** و تیم **B** حتی اظهارات اخیر خود **جیمی کارت‌ر** در صحبت با **ترامپ** در مورد موفقیت اقتصادی **چین** که به دلیل عدم هزینه های بیهوده **پکن** در ماجراجویی های نظامی نسبت داده می شود، مساوی بود. تشدید بودجه که در دوران **رونالد ریگان** آغاز شد، توسط سیاست خارجی خود **کارت‌ر** تعیین شد. بانگاهی به گذشته، تیم همسران متذکر می شوند که فرماندار

سابق گرجستان برای خیانت به وعده‌های خود به عنوان یک نامزد، نیازی به اغوای چندانی نداشت، زیرا با توجه به اینکه رسیدن او به ریاست جمهوری با عضویت او در کنار **برژینسکی** در کمیسیون سه جانبه، **راکفلر نخبه**، تسهیل شد. اتفاق فکر با بودجه آنچه مسلم است این است که **پل** و **لینز** کتابی ضروری نوشته اند که سطحی از بینش را در مورد داستان افغانستان ارائه می‌دهد که تنها از چهار دهه کار علمی آنها در این زمینه قابل دستیابی است *The Valediction: Three Nights of Desmond*. اکنون از *Trine Day Press* در دسترس است و زمان انتشار آن نمی‌تواند زمینه بهتری را برای رویدادهای اخیر جهانی ارائه دهد.

چند سطر در مورد نویسنده:

مکس پری یک روزنامه‌نگار مستقل و تحلیلگر ژئوپلیتیک است نوشته‌های او به طور گسترده در رسانه‌های جایگزین ظاهر شده است. او به طور مکرر در تحقیقات جهانی مشارکت دارد حد اکثر ممکن است در maxrparry@live.com به دست آید.

----- **با تقدیم احترامات** «29-04-2022»